



۱- رسانه‌های مخالف در ۳-۲ ماه اخیر تلاش داشته‌اند آشوب‌های دی‌ماه ۹۶ را «خیزش و جنبش پارهنگان و طبقات پایین جامعه» معرفی کنند. این موضوع با توجه به نارضایتی عمومی‌ای که در دهه ۹۰ بر اساس مشکلات اقتصادی و معیشتی بر مردم تحمیل شده است، ظاهری فریبنده دارد و قابل قبول می‌نماید؛ کما اینکه در کف خیابان جمعی از جوانان ناراضی غیرتشکیلاتی نیز حضور داشتند اما این مطلب ظاهر ماجراست و ایجادکنندگان اصلی اغتشاشات به عمد در پس این جمعیت پنهان شدند تا تلاش کنند از نارضایتی عمومی به سود خود استفاده کنند.

۲- از این واقعیت نمی‌توان گذشت که هر اندازه دهه ۸۰ دهه شکوفایی اقتصاد ایران و افزایش رفاه عمومی بود، دهه ۹۰ دهه سختی‌ها، فشارها و مشکلات است. در واقع بسیاری از مشکلات کشور از حوادث ۸۸ آغاز شد که سرآمد همه آنها وضع تحریم‌ها و تعطیلی فعالیت‌های هسته‌ای بود. از این جهت رهبران شورش ۸۸ نه‌تنها نظام سیاسی کشور را با مشکلاتی مواجه کردند، بلکه فراتر از آن مردم و ایران را وارد دهه‌ای سخت و دشوار کردند که هنوز آثار منفی آن دست‌از دامان این کشور و اقتصاد آن برنداشته است. از این جهت اشتباه است اگر بخواهیم دست‌به تحلیل حوادث زمستان ۹۶ بزنیم اما نقش پدیده ویران‌ساز شورش ۸۸ درنظر نگیریم.

البته فارغ از وجوه و ریشه‌های مشترک، هر دو، پدیده‌های اجتماعی هستند که باید از منظر جامعه‌شناسی سیاسی مورد تحلیل و مقایسه قرار گیرند، لذا پرسش مهم این است: وجود اشتراک و افتراق شورش‌های ۹۸ و ۸۸ کدامند؟

۳- آشوب‌های ۹۶ ظاهراً بی‌سر بود. عدم رهبری اغتشاشات، اقدامی حساب‌شده و با اهداف معین بود که جا دارد دقیق و جدی بررسی شود اما در آغاز باید پرسید: چرا رسانه‌های پیگیر آشوب عمد داشتند آن را مشابه «بهار عربی» نشان دهند؟

۴- آشوب‌های ۹۶ پس از نامه ظفرمندانه سردار قاسم سلیمانی به رهبر حکیم انقلاب آغاز شد. این تجربه راه ملت ایران و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، سال ۸۸ نیز داشتند. پس از پیروزی رهبری و ملت در انتخابات سال ۸۸، فتنه‌گران این پیروزی را تحمل نکردند و لذا از در مقابله با آن برآمدند و قسم خوردند تا آخر پای مبارزه بایستند.

سمیرا کریمشاهی: سالیانی است مردم جنوب کشور با مشکل تأمین آب دست و پنجه نرم می‌کنند و تسدید آن باعث شده تا حدودی مردم کشور نسبت به خطری که مدت‌هاست تهدیدشان می‌کند واکنش نشان دهند. مردم به این آگاهی رسیده‌اند که بحران آبی در کشور نقطه‌ای نیست و اگر بی توجهی‌ها ادامه داشته باشد سرنوشت ناگواری از جهت تأمین آب، نه‌تنها مناطق جنوبی که کل کشور را در بر خواهد گرفت. به همین دلیل عجیب نیست مهم‌ترین مسأله کشور و بحران گریبانگیر آن را تأمین آب بدانیم. شرایط اقلیمی، سبک مصرفی غلط مردم و سوءمدیریت عواملی هستند که دست به دست هم می‌دهند تا کشور خود را در بحران بی‌آبی ببیند. مقوله تأمین آب را نمی‌توان صرفاً به شرایط اقلیمی کشور ربط داد و اینکه با اظهار ناچاری، دست روی دست بگذاریم تا این مایه حیات مسیب مرگ ایران شود. استفاده از صنایع شیرین‌سازی در آن مناطقی که با کمبود منابع آب شیرین رو به رو هستند، امر رایجی است اما هزینه زیاد، تجزیه‌ناپذیری منابع فسیلی و قدیمی شدن صنعت شیرین‌سازی آب با استفاده از سوخت‌های فسیلی باعث شده برخی کشورها به تأمین انرژی مورد نیاز شیرین‌سازی آب به مدد فناوری هسته‌ای

سوروش جدید انقلاب و کودتای مخملی است. تفاوت انقلاب رنگی با کودتای مخملی در این است که انقلاب رنگی لزوماً به بهانه تقلب در انتخابات انجام می‌شود اما کودتای مخملی با بهانه ساختن مسائل به ظاهر غیرسیاسی مانند گرانی، بیکاری، تورم، محیط‌زیست، آلودگی هوا و هر نوع مشکل خرد و بزرگ دیگری اعم از محلی یا ملی بسیج نیرو می‌کند. مزیت انقلاب مخملی بر انقلاب رنگی این است که در هر زمانی قابل پیگیری است اما انقلاب رنگی فقط در زمان انتخابات آن هم در موقعی که با شکست مواجه شوند، قابل انجام است. حتی اگر نتیجه انتخابات با پیروزی همراه باشد، انقلاب رنگی قابل پیگیری نخواهد بود.

پ - شورش ۸۸ نوعی «انقلاب رنگی» بود اما شورش جدید انقلاب و کودتای مخملی است. تفاوت انقلاب رنگی با کودتای مخملی در این است که انقلاب رنگی لزوماً به بهانه تقلب در انتخابات انجام می‌شود اما کودتای مخملی با بهانه ساختن مسائل به ظاهر غیرسیاسی مانند گرانی، بیکاری، تورم، محیط‌زیست، آلودگی هوا و هر نوع مشکل خرد و بزرگ دیگری اعم از محلی یا ملی بسیج نیرو می‌کند. مزیت انقلاب مخملی بر انقلاب رنگی این است که در هر زمانی قابل پیگیری است اما انقلاب رنگی فقط در زمان انتخابات آن هم در موقعی که با شکست مواجه شوند، قابل انجام است. حتی اگر نتیجه انتخابات با پیروزی همراه باشد، انقلاب رنگی قابل پیگیری نخواهد بود.

ت - سال ۸۸ جبهه اصلاحات که ریشه تاریخی در چپ اسلامی داشت، هدایت و مدیریت داخلی حوادث را برعهده داشت اما اکنون جریان نومحافظه‌کاری که تلاش دارد قدرت را قبضه کند در کانون حوادث قرار دارد. این جریان چند سال است تلاش دارد هر گروهی را به طریقی ناراضی کند و همه طبقات، اصناف و گروه‌های اجتماعی را به صورت ذرات معترض درآورد تا در موقع مقتضی از آنها بهره ببرد. در این طیف تلاش شده از افرادی که تا امروز سوخت نرفته‌اند، استفاده شود.

ث - سال ۸۸ مهم‌ترین رسانه شورشگران عبارت بود از: پیامک، تویترت شبکه‌های ماهواره‌ای (مانند بی‌بی‌سی و صدای آمریکا)، فیسبوک و برخی سایت‌ها.اکنون به رغم اینکه همه آن رسانه‌ها دوباره مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند اما رسانه‌های اصلی عبارتند از: اینستاگرام و تلگرام.

ج - شورش ۸۸ شورش طبقات متوسط شهری با رهبری علی الیگارشی نوین در محیط جغرافیایی تهران بود، در حالی که در سال ۹۶ طبقات پایین‌تر و در جغرافیای بزرگ‌تر و با محوریت شهرستان‌ها بود که به میدان آمدند.

۷- مدیران و هدایتگران شورش ۸۸ زمانی که گرد و غبار فتنه فرونشست و آنان از اقدامات خود طرفی نیستند، به آسیب‌شناسی آن پروژه پرداختند تا ببینند علل عدم دستیابی به نتیجه چه بود؟ پاسخ بسیار ساده بود: اینکه اکثریت مردم ایران و طبقات متوسط و طبقات پایین - که در شهرستان‌ها، روستاها، حاشیه شهرهای بزرگ و جنوب کلان‌شهرها ساکن هستند - با آن پروژه همراهی نکردند. یعنی مانند نتیجه انتخابات که اکثریت (همان طبقات) -سراع فرد دیگری رفتند، نتیجه پروژه براندازی نیز قابل پیش‌بینی بود؛ به این صورت که در آنجائیز به میدان نیامدند تا آن پروژه نیز شکست بخورد. این جمعیت انبوه کمتر مورد توجه رهبران شورش بود و نظوریسین‌های آنها حتی همواره علیه این جمعیت تئوری‌پردازی کرده بودند.

ب - فتنه ۸۸ نوعی تقلید از شعارهای اسلامی و انقلابی بود اما اکنون شعارها جنبه ضداسلامی دارد و به صورت بسیار خشن تلاش دارد مرز خود را با شعارهای اسلامی و نمادهای دینی جدا کند. این حتی یعنی پشت‌سر گذاشتن رادیکالیسم سبز. آنجا شعار «لله‌اکبر» سر داده می‌شد اما اینجا با هرنوع شعار اسلامی و الگوپردازی از انقلاب اسلامی مخالف است.

تحلیلی بر آشوب‌های دی‌ماه ۹۶ و مقایسه آن با فتنه ۸۸

شورش اشرافیت به‌نام جمهوریت!

- محمد مهدی داماد

مشکلات آن طبقه باشد حتی برعکس در پی ایجاد ناکارآمدی و افزایش نارضایتی‌هاست تا با مدیریت آن، خیزش گرسنگان را به سمت اهداف خود مدیریت کند. یعنی از انباشت نیرو و تراکم توان آنها در جهت اهداف سیاسی خود بهره ببرد. این روش زمانی مورد استفاده خواهد بود که همچون شکست‌طلبی(دفتایسیم) درون‌ حزبی، یک طیف سیاسی برای از میدان خارج کردن رقیب با ایجاد ناکارآمدی و شکست و نسبت دادن آن به رقیب، بدین وسیله طیف رقیب را از گردونه قدرت خارج کند. آنها شورش این طبقه را - که چیزی برای دست دادن ندارد - هم خطرناک و هم مغتنم می‌دانند

۸- اگرچه بسیاری از شبکه‌های فعال در شورش ۸۸ در آشوب‌های ۹۶ نیز فعالیت داشتند اما در اینجا یک چرخش بسیار مهم رخ داد که آن هم در کادر رهبری بود. سال ۸۸ اصلاح‌طلبان سهم خود را در آن حوادث بیش از دیگران می‌دانستند و رسماً سعی کردند رهبری آن را با نام کروبی و موسوی به دست بگیرند اما در این حوادث، اولا رهبران اصلی صرفاً در پوشش رسانه و هدایت آن به رهبری پرداختند؛ ثانیاً با اصلاح‌طلبان اختلافاتی را بروز دادند. به نظر می‌رسید در تحولات اخیر، اشخاص اصلی اصلاحات از جمله رئیس دولت اصلاحات نه‌تنها دامن خود را از آن بیرون کشیدند، بلکه در اعتراض به آن سخن گفتند. بر این اساس باید پرسید: اگر این اختلاف واقعی باشد چرا پدیده آمده و ریشه آن در کجاست؟ در این شرایط، تلاش‌های شکل گرفته برای رفع حصر موسوی را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ آیا هدف این بود که با خارج ساختن وی، رهبری را از رهبری پنهان و پشت پرده که هدایت امور را برعهده دارد، دور کنند و به دست رهبری آشکار و مشخص بدهند؟! آیا میان جریان اصلاحات و نومحافظه‌کار در اینجا اختلاف وجود داشت؟ آیا به دلیل اختلاف بود که تشکیلاتی چون مجمع روحانیون و افرادی از جبهه چپ اسلامی سابق به نقد حرکت دی‌ماه ۹۶ پرداختند؟

۹- آشوب‌ها و اغتشاشات دی‌ماه دارای ایدئولوژی و رهبر معلوم و مشخصی که رسماً آن را بر عهده گیرد، نبود. این کار بیشتر شبیه نوعی قدرت‌نمایی بود که خود را در قالب خیزش مردمی بی‌سر و بی‌برنامه نشان می‌داد. به عبارت دیگر رهبران آن هادیان پروژه، چندان در پی هدف ملموسی که مطالبه جامعه باشد یا جامعه آن را بفهمد، نبودند و خود به موقت و زودگذر بودن این حوادث، اعتقاد داشتند. آنها دنبال نوعی قدرت‌نمایی بودند تا از این طریق پیام خود را به مخاطب و مخاطبان اصلی خویش برسانند. اکنون پرسش بسیار مهم این است: چه زمانی رهبران اصلی پشت صحنه حوادث ۹۶ نقاب برخواهند گشود و رسماً رهبری تحولات را برعهده خواهند گرفت؟ از زمانی که این موج ایجاد شد، رهبران و هادیان این پروژه به دلایلی که قابل بحث است تلاش کردند در پشت صحنه بمانند و مسؤولیت این حوادث را برعهده نگیرند. این اهداف در ماه‌های بعد نیز به صورت دیگری ادامه پیدا کرد، لذا اولاً باید پرسید: این حوادث تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و ثانیاً چه موقع آنها از پشت ابرها بیرون خواهند آمد؟

به نظر می‌رسد شورش ۹۶ فعلاً چیزی بیشتر

از ارسال یک پیام را پیگیری نمی‌کرد و چندان زمین‌های هم در جامعه برای پیگیری اهداف بالاتر مشاهده نمی‌کرد. از این منظر تنها زمانی هادیان پروژه رسماً و آشکارا وارد صحنه خواهند شد که اولاً آن فضا را به طور مستمر بازتولید کنند تا زمینه اجتماعی برای گذر به طور کامل فراهم شود و ثانیاً در آن شرایط بتوانند رسماً هدف خود را اعلام کنند. ۱۰- رهبران پشت صحنه آشوب‌های دی‌ماه در آسیب‌شناسی از آن و رفع نواقص پروژه برای تحولات بعدی، از جمله مهم‌ترین نواقص را نداشتن «ایدئولوژی» و عدم معرفی «هدف» جهت بسیج نیرو ارزیابی کردند. ۲ ماه پس از فرونشستن حوادث دی‌ماه، گروهی از فعالان غائله ۹۶، از فرژاندوم به عنوان روشی در کنار «اصلاحات» و «انقلاب» نام بردند. در اینجا مطرح شد که برای عبور از جمهوری اسلامی علاوه بر ۲ روش فرم و انقلاب که از قبل مطرح بود، امروز تأکید بر فرژاندوم است. البته استفاده از فرژاندوم به عنوان یکی از تاکتیک‌ها در دوران اصلاحات نیز از سوی آنان مطرح می‌شد اما در آن مقطع اصلاحات خود به مثابه یک راهبرد مطرح بود که از تاکتیک‌های مختلفی همچون فرژاندوم بهره می‌برد؛ در آن مقطع توسل به این روش چندان جدی گرفته نشد و جدی پیش نرفت. در آن زمان روش‌های دیگر بیشتر مورد استفاده بود اما در اینجا و زمانی که معلوم شد از آسیب‌های جدی اغتشاشات دی، نداشتن هدف و ایدئولوژی است، تلاش شد فرژاندوم به عنوان یکی از مطالبات و روشی برای بسیج سیاسی مطرح شود.

در آشوب‌های ۹۶ چون هیچ تشکیلاتی رسماً آن را برعهده نگرفت لاجرم نمی‌توانست ایدئولوژی، هدف و برنامه مدونی را اعلام کند. همین هم بود که شمله‌های آن زود به سردی گرایید و خاموش شد، لذا موجدین آن حوادث در نشست‌های خود چاره را در گام نخست در معرفی هدف برای تحولات آتی دیدند؛ هدفی معلوم مانند لبطال انتخابات که سال ۸۸ مطرح شد. این هدف این بار همه‌پرسی انتخاب شد. معرفی فرژاندوم و تبلیغ روی آن در همان رسانه‌های هدایتگر آشوب، اندکی بعد از فرونشستن اغتشاشات نشان داد اتفاق فکر این ماجرا در همان نشست‌های اولیه زود به جمع بندی رسیده و تلاش دارد با معرفی یک هدف ملموس برای تحولات سال ۹۷ برنامه‌ریزی کند. در دی‌ماه، واقعاً افراد را تا کی باید به خیابان دعوت می‌کردند؟ چه موقع این اغتشاشات مثلاً به هدف خود می‌رسد تا دستور بازگشت به خانه‌ها در رسانه‌های‌شان صادر شود؟ چون هیچ هدف از پیش معرفی‌شده‌ای وجود نداشت، نه استقبال گسترده‌ای از آن شد و نه توان استمرار آن وجود داشت، لذا انتخاب موضوع فرژاندوم در حقیقت برای رفع این نواقص صورت‌یافت. ۱۱- برای فهمیدن ماهیت شورش ۹۶ یکی از مهم‌ترین اقدامات، شناخت واقعی مدیران آمدنیوز و مؤسسان آن است. تا پدیده‌ای مانند آمدنیوز شناخته نشود و معلوم نشود این پدیده چرا و توسط چه شبکه‌ای در سال قبل از آن ایجاد شد، حقیقت پدیده غائله ۹۶ معلوم نخواهد شد. این مسئله چرا در آغاز اغتشاشات دی‌ماه، آمدنیوز با ادعای اینکه تلگرام آن کانال را حذف کرده اقدام به پاک کردن سابقه تاریخی خود کرد؟ سابقه‌ای که خیلی چیزها را روشن می‌کرد و رهبران و شبکه اصلی پشت سر آشوب‌ها را نشان می‌داد.

به‌خاطر بحران آب رها کرده‌اند، دوباره به چرخه تولید محصولات کشاورزی و تأمین مواد غذایی کشور باز خواهند گشت و به دنبال آن افرادی که در بخش خدماتی تأمین مواد غذایی مشغول به فعالیت هستند، رونق به بازار کارشان بازمی‌گردد.در ایران از نظر منابع مالی، فناوری و نیروی انسانی مشکلی بر سر راه احداث ۳ نیروگاه آب شیرین‌کن هسته‌ای دیده نمی‌شود، کما اینکه تجربه این کار با مقیاس کوچک‌تر در نیروگاه هسته‌ای بوشهر در حال اجراست. اما همنوایی مدیران و مسؤولان با صدای نامیدی و ناتوانی که توسط عده‌ای تزریق می‌شود، کار را تا جایی پیش می‌برد که نتایجیو با پیوسته مضحک اعلام کند دغدغه تأمین آب مردم ایران را دارد. در حالی که اطراف‌مان از هند تا سرزمین‌های اشغالی، از پاکستان تا قزاقستان از نیروگاه‌های آب شیرین‌کن هسته‌ای بهره‌مند هستند، هنوز هم مسؤولان ما به‌رغم چهره مقاومت و استکبارستیزی که مدتی است از خود نشان می‌دهند، این روزها به خارج از مرزها به دنبال دسته‌کلید حل مشکلات کشور هستند. دست‌های که یکی از کلیدهای آن در دست نخبگان هسته‌ای است که به جای اینکه شانه‌روزر روی طرح تأمین آب شیرین‌کار کنند، در سازمان آب و فاضلاب مشغول کار شده‌اند!

درنگ

۲۱ بال برای پرواز –

فرهاد ملازمینی: آنچه در ۲ نوشتار پیشین به آنها پرداخته شد اثرات باور داشتن توحید و نفی شرک بود یعنی اگر کسی خداوند را به عنوان پروردگار خویش بپذیرد، این پذیرش برای فرد پذیرنده چه خصوصیاتی در بر خواهد داشت؟! که به ۲ مورد از ایشان پرداخته شد ولی داشتن نگاه توحیدی جز موارد مطرح شده، حتماً فواید دیگری نیز دارد. همانگونه که در نوشتارهای پیشین بحث شد، دین موظف به پرداختن به ۳ رابطه اصلی است؛ رابطه انسان با خودش، انسان با خدا و انسان با سایر موجودات. پس وقتی کسی نظام مبتنی بر توحید را بپذیرفت، تکلیفش به صورت کامل با زندگی خود مشخص است، یعنی می‌داند چگونه باید پدیده‌ها را تفسیر کند، چگونه به دنیا بنگرد، مشکلات را چگونه تحلیل کند و… زیرا او با پذیرش نظام توحیدی از نظمی کامل در زندگی خود بهره‌مند است، هرچند شاید به دلیل پیچیدگی برخی مفاهیم تصویری یا تصدیقی نتواند خود به تنهایی تمام مطالب را تحلیل کند، لیکن می‌تواند با شالوده توحیدی خط اصلی را که همان صراط مستقیم و همه فهم است درک کند. پس آنجایی که قرآن کریم از قول حضرت یوسف می‌فرماید: «ی در رفیق زندانیم آیا خدایان پرآکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر»^(۱)، بحث بر سر پرستیدن خدایی واحد در مقابل خدایانی متعدد است که عقل می‌گوید وقتی انسان مجبور است فرمانبر باشد بهتر است از یک نفر فرمان ببرد تا افراد متعدد، زیرا فرمان‌پذیری از افراد متعدد موجب سردرگمی می‌شود اینجاست که فرد تکلیف خود را با رتتن و ماندن، گفتن و نگفتن به طور کلی زشت و زیبا نمی‌داند، لذا به معنای واقعی کلمه اسیر خواهد بود اما وجود یک فرمانده حکیم قطعاً موجب رشد خواهد شد. پس کسانی که با تعبیر قرآن کریم در حقیقت کافر هستند اینگونه وصف می‌شوند: «کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را از آنک می‌کنیم و می‌خواهند میان این ادوا راهی برای خود اختیار کنند، آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عدایی خفت‌آور آماده کرده‌ایم»^(۲)، پس نمی‌توان بخشی از جهان‌بینی را از جایی آورد و بخش دیگر را از جایی دیگر، این نگاه در اسلام پذیرفته نیست؛ نمی‌توان بخش از قانون از ادواج را از غرب گرفت و بخشی را از اسلام یا هر قانون دیگر را که شما تصورش را نکنید. نمی‌توان سیاست خارجی را با مبانی غربی تدریس کرد و شعار اسلامیت در مراجع بین‌المللی سر داد. اینها نشانه آشفتگی و نداشتن نگاهی موحدانه است. شاید بگویند این نگاه موحدان در جوامعی که خود را رسماً و قطعاً بی‌خدای می‌دانند ولی از همگونی برخوردار هستند چگونه تعبیر می‌کنید؟ در پاسخ می‌گویم ایشان موحدان نمی‌اندیشند، لیکن در آنچه می‌اندیشند یک نظام فکری دارند

که جهات آن با یکدیگر سازگار است، هرچند ایشان را به صلاح و فلاح ابدی نمی‌رساند و در نهایت به خاطر نداشتن حقیقتی اصیل از عالم باث انحراف اساسی خواهد شد ولی در ظاهر می‌تواند تا حدودی به زندگی نظم بخشد اما اگر کسی قرأت توحیدی را درباره عالم و آدم و مسبا و معاد بپذیرفت، قطعاً این نگاه با دارا بودن جنبه‌های مختلف می‌تواند تمام ابعاد زندگی فرد و اجتماع را پوشش دهد و آنها را منظم کند و نیز خواهد توانست جامعه را سر منزل مقصود برساند. حال ممکن است سوالی دیگر مطرح شود که آیا می‌شود انسان فرمانده نداشته باشد یعنی آزاد باشد و قیدی او را در بر نگرفته باشد تا بخواهیم آیة قرآن را که داشتن یک ارباب در آن بهتر از چند ارباب است قبول کنیم؟ در پاسخ باید گفت انسان خالی از وسوسه‌ها نیست یعنی او همیشه به اقتضای ذاتش در حال سخن گفتن، انتخاب کردن و پاسخ دادن است. او نفسی دارد که او را امر به بدی می‌کند، نفسی دارد که او را هشدار می‌دهد و دشمنی دارد که به اولیای خود وحی می‌کند و… پس انسان اگر بخواهد آزاد باشد باید به راهی رود که موجودی توحید در آن امر و نهی می‌کند وگرنه در گردابی از سردرگمی گرفتار خواهد بود. پس آزاد بودن، سردرگم نبودن و داشتن تفسیر دقیق از عالم نیز یکی از مواهب نگاه توحیدی است که موحدان از آن برخوردار هستند.

بی‌نوشته:

۱- سوره یوسف آیه ۳۹

۲- آیات ۱۵۰ و ۱۵۱ سوره نسا

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱